

مفهوم‌پردازی ظرفیت خط‌مشی عمومی انقلاب اسلامی ایران در اندیشه مقام معظم رهبری (مدظله)

سید کاظم حسینی *

حسن دانایی فرد **

سید مجتبی امامی ***

دریافت مقاله: ۹۵/۰۹/۱۸

پذیرش نهایی: ۹۶/۰۲/۲۷

چکیده

وجود بازیگران مختلف، متعدد بودن برنامه‌های موجود در هر کدام از حوزه‌های خط‌مشی، طولانی بودن فرایند خط‌مشی‌گذاری و وجود مباحث فنی عواملی است که خط‌مشی‌گذاری را به فرایندی پیچیده تبدیل کرده است. حکومتها برای غلبه بر پیچیدگی‌های فرایند خط‌مشی‌گذاری، نیازمند برخورداری از یک‌سری توانایی‌ها هستند؛ «ظرفیت خط‌مشی» به‌عنوان یکی از موضوعات جدید در علوم خط‌مشی اشاره به این تواناییهای حکومت دارد. از آنجا که نظریه‌پردازان علوم خط‌مشی معتقدند مؤلفه‌ها و ابعاد تشکیل‌دهنده موضوع ظرفیت خط‌مشی وابسته به عوامل زمینه‌ای است؛ لذا کاربرد این موضوع در کشور نیازمند باز‌پردازی مفهومی با در نظر گرفتن اقتضائات و لوازم اداره آن است. در این پژوهش با بهره‌گیری از روش تحلیل داده بنیاد، بیانات مقام معظم رهبری خطاب به لایه خط‌مشی‌گذاران کشور مورد بررسی قرار گرفت و مؤلفه‌های بومی موضوع ظرفیت خط‌مشی برای کشور استخراج شد. **کلیدواژه‌ها:** ظرفیت خط‌مشی، توانایی حکومت، انقلاب اسلامی، حیات طیبه، خردگرایی، آرمان‌گرایی، مقام معظم رهبری.

* دانش‌آموخته کارشناسی ارشد. مدیریت دولتی و پژوهشگر مرکز رشد دانشگاه امام صادق(ع)

s.k.hoseini87@gmail.com

hoseini@isu.ac.ir

smemami@gmail.com

** استاد گروه مدیریت دولتی دانشگاه تربیت مدرس

*** استادیار گروه مدیریت دولتی دانشگاه امام صادق(ع)

مقدمه

خط‌مشی‌های عمومی، جلوه عینی فلسفه و دکترین حکومتها در زمینه اداره جامعه است (شفریتز^۱، ۲۰۰۸: ۲۸۳)؛ به عبارت دیگر، دولت‌ها برای جاری کردن فلسفه و دکترین خود در تاروپود جامعه از خط‌مشی‌های عمومی استفاده می‌کنند و جامعه آرمانی خود را به مدد خط‌مشی‌های عمومی، هستی‌بخشی می‌کنند (دانایی فرد، ۱۳۹۵: ۸۰). وجود برخی عوامل، فرایند خط‌مشی‌گذاری را با پیچیدگی‌هایی همراه کرده است. فرایند خط‌مشی از بازیگران مختلفی مملو است که هر کدام دیدگاه‌ها، ارزشها و منافع متفاوتی دارند و سعی می‌کنند آنها را بر فرایند خط‌مشی تحمیل کنند. علاوه بر این در هر کدام از حوزه‌های خط‌مشی فقط برنامه‌ای واحد وجود ندارد، بلکه خط‌مشی‌ها برای تحقق اهداف خود از برنامه‌های متعددی بهره می‌گیرند. در کنار این مسائل، زمانبر بودن فرایند خط‌مشی و وجود مباحث فنی نیز بر پیچیدگی فرایند خط‌مشی افزوده است (ساباتیه^۲، ۱۳۹۳: ۱۸ تا ۲۱). این موارد، تنگناهای عام عرصه خط‌مشی‌گذاری در تمامی حکومتها است. علاوه بر اینها، حکومتها با برخی عوامل منحصر به فرد نیز در عرصه خط‌مشی‌گذاری خود روبه‌رو هستند؛ عواملی که با توجه به بستر هر کشور متفاوت است؛ مثلاً در کشور ایران تحریمها، تهدیدات و دشمنی‌های خارجی از جمله عواملی است که عرصه خط‌مشی‌گذاری کشور را با چالشهای جدی روبه‌رو کرده است. توانایی حکومتها برای غلبه بر پیچیدگیهای عام و خاص فرایند خط‌مشی‌گذاری یکی از موضوعات جدید در علوم خط‌مشی است که «ظرفیت خط‌مشی» نام گرفته است.

با توجه به زمینه‌ای بودن برخی تنگناهای عرصه خط‌مشی عمومی، نظریه‌پردازان حوزه ظرفیت خط‌مشی معتقدند این موضوع به بستری^۳ وابسته است که در آن به کار گرفته می‌شود (گلیسون^۴، ۲۰۰۹: ۶۱)؛ لذا به نظر می‌رسد کاربست ترجمه‌ای موضوع «ظرفیت خط‌مشی» در کشور به افزایش توانایی خط‌مشی‌گذاری حکومت کمکی نکند و به کارگیری آن نیازمند بازپردازی مفهومی با در نظر گرفتن اقتضائات و لوازم کشور است.

در این پژوهش ابتدا چرایی و خاستگاه ظهور مفهوم ظرفیت خط‌مشی تشریح می‌شود و سپس با گذر از پژوهشهای این حوزه و فهم جوهره ظرفیت خط‌مشی، ضرورت نیاز به بازپردازی مفهومی

1 - Shafritz

2 - Sabatier

3 - Context

4 - Gleeson

این موضوع بیان خواهد شد؛ سپس با غور در سخنان مقام معظم رهبری مؤلفه‌ها و ابعاد بومی این موضوع در بستر کشور احصاء می‌گردد.

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

مدیریت دولتی جدید^۱، نهضت بازآفرینی دولت^۲ و جهانی‌سازی^۳ روندهایی است که از اواخر دهه ۱۹۸۰ میلادی در کشورهای توسعه‌یافته رواج بسیاری پیدا کرد. اصلاحات اداری، اجرای نسخه‌های بازاری اداره حکومت و دولت و پیوستن به سازمانهای جهانی، جلوه‌های بارز این رویکردها است. شکل‌گیری این موضوعات به تغییر معماری دولتها و انتقال بخشی از توانایی خطمشی‌گذاری آنها به بازیگرانی خارج از دولتها منجر شد. بازیگرانی که ماهیتی مستقل و غیر دولتی داشتند اما به دلیل اینکه بخشی از تواناییهای دولت به آنها منتقل شده بود، دولتها ناگزیر از برقراری رابطه با آنها برای اجرای وظایف مربوط به خطمشی‌گذاری بودند. پدیده ظهور بازیگران جدید و «انتقال توانایی» دولتها به آنها سبب پیدایش دولتهایی شد که در زمینه خطمشی‌گذاری ناتوان بودند و از آنها به «دولت توخالی» تعبیر می‌شد؛ این پدیده زمینه‌ساز ظهور مفهومی به نام «ظرفیت خطمشی»^۴ شد (پینتر و پییر^۵، ۲۰۰۵: ۳ تا ۱۱). ظرفیت خطمشی بیانگر توانایی حکومت در وظایف مرتبط با خطمشی‌گذاری در عرصه حکمرانی است.

پژوهشها در موضوع ظرفیت خطمشی را می‌توان به سه گروه اصلی تقسیم کرد: در گروه نخست برخی پژوهشگران از جمله فیلیپ کرنی^۶ (۱۹۹۹) به‌رغم استفاده رایج از این مفهوم هیچ تعریفی ارائه نکرده‌اند. برخی دیگر از افراد گروه نخست، مثل کورزر^۷ (۱۹۹۷)، این اصطلاح را تعریف نکرده، اما آن را به‌صورت جایگزین با ظرفیت دولت^۸ و قوه مجریه^۹ به کار برده‌اند.

گروه دوم پژوهشگران از جمله گای پیترز (۱۹۹۶)، به‌صورت گسترده به این مفهوم پرداخته‌اند

-
- 1 - New public management
 - 2 - Reinventing Government Movement
 - 3 - Globalization
 - 4 - Policy capacity
 - 5 - Painter, Pierre
 - 6 - Cerny
 - 7 - Kurzer
 - 8 - State
 - 9 - Executive branch

و آن را شامل تدوین و اجرای خط‌مشی و حساسیت‌سازمانه سیاسی در مورد خواسته‌های نیروهای اجتماعی می‌داند. به‌طور مشابه فلگی^۱ (۱۹۹۶) نیز معتقد است این مفهوم هم شامل تدوین و هم اجرای خط‌مشی می‌شود. هونادل^۲ (۱۹۸۱) نیز ظرفیت خط‌مشی را شامل تدوین، اجرا و ارزشیابی خط‌مشی می‌داند. در مجموع، گروه دوم معتقدند ظرفیت خط‌مشی هم شامل تدوین خط‌مشی و هم اجرای آن است.

گروه سوم با جداسازی مراحل خط‌مشی‌گذاری، مفهوم ظرفیت خط‌مشی را محدود تعریف کرده‌اند؛ برای مثال، کامینگ و نورگارد (۲۰۰۴) ظرفیت خط‌مشی را «توانایی» استفاده ممکن از تمامی منابع فکری و سازمانی در تملک دولت تعریف کرده‌اند که به فرایند خط‌مشی‌گذاری اختصاص دارد؛ همانند تخصص یا تجربه داخلی یا خارجی به‌منظور طراحی خط‌مشی‌های منسجم، مانا و به لحاظ سیاسی امکان‌پذیر». به‌طور مشابه، اولسن (۱۹۸۳) ظرفیت خط‌مشی را «توانایی استفاده از منابع به‌صورت نظام‌مند به‌منظور انتخاب تصمیمات جمعی هوشمند در هر نظام اداری - سیاسی دموکراتیک بر اساس شناخت کافی، اطلاعات کافی و اقتدار کافی» تعریف کرده است. در این تعاریف دانش، خبرگی، تجربه و فهم، سنگ بناهای ظرفیت خط‌مشی است.

دیویس (۲۰۰۰)، پیر و پینتر (۲۰۰۵) مفهوم ظرفیت خط‌مشی را شامل توانایی تصمیم‌گیری می‌دانند. تصمیم‌گیری خط‌مشی بر پایه تلاش فکری و استقرار دانش حاصل از خبرگی و تجربه، نمای بیرونی تعریف ظرفیت خط‌مشی است. از این حیث ظرفیت خط‌مشی از ظرفیت اداره^۳ متمایز است که به توانایی دولت در داشتن منابع انسانی و فیزیکی مورد نیاز و آرایش دادن آنها برای اجرای خط‌مشی و ارائه خروجی اشاره می‌کند (پیر و پینتر ۲۰۰۵: ۲؛ کامینگز و نورگارد ۲۰۰۴: ۶۸۸).

به‌طور کلی ادراک گروه سوم از ظرفیت خط‌مشی، حول ملاک توانایی فکری و مهارت شکل دادن آینده می‌چرخد. پارسونز^۵ این مفهوم را با «توانایی ترسیم نقشه سفر، نشان‌دادن مختصات روی روی نقشه، تعیین جهت و اتخاذ دید بلند مدت و در یک کلمه، توانایی راهبری» متناظر می‌داند

1 - Fellegi

2 - Honadle

3 - Administration Capacity

4 - Painter and Pierre 2005c: 2; Cummings and Norgaard 2004: 688

5 - Parsons

(پارسونز، ۲۰۰۴: ۴۴). به نظر می‌رسد رویکرد گروه سوم با مفهوم حکمرانی نزدیکی بیشتری دارد که به‌عنوان خاستگاه شکل‌گیری موضوع ظرفیت خط‌مشی (پیر و پینتر ۲۰۰۵: ۵) بیان می‌شود. تعاریف این گروه تمایز بهتری میان این موضوع و دیگر موضوعات مطرح در خط‌مشی عمومی ایجاد می‌کند.

در حوزه پژوهش‌های تجربی نیز فعالیت‌هایی در این موضوع انجام شده است. اشنایدر و اینگرام^۱ (۱۹۹۰) و پرس^۲ (۱۹۹۸) تلاش‌های زیادی برای ساخت نوعی چارچوب مفهومی در جهت ظرفیت خط‌مشی انجام داده‌اند. مطالعات زیادی در کانادا برای ارزیابی ظرفیت خط‌مشی دولتهای فدرال و ایالتی انجام شده است (اندرسون^۳، ۱۹۹۶). در این راستا الگوهای ارزشیابی کمی و کیفی از ظرفیت خط‌مشی توسط صاحب‌نظران پیشنهاد شد و در پی آن، سنجه‌های متناسب آنها نیز ساخته شد (پولیدانو، ۲۰۰۰؛ هاولت و نیومن، ۲۰۱۰؛ ولستد و استدمن^۴، ۲۰۱۰).

مطالعات دهه گذشته از تمرکز بر ارزشیابی ظرفیت خط‌مشی فراتر رفته و به بررسی عوامل مؤثر بر ظرفیت خط‌مشی پرداخته است؛ برای مثال، این مطالعات زیر درباره تأثیر عوامل مختلف بر ظرفیت خط‌مشی انجام شده است: به کارگیری مشاوران در دولت کانادا (باکوئیس^۵، ۲۰۰۰؛ پرل و وایت^۶، ۲۰۰۲)، ایجاد اصلاحات مدیریت دولتی جدید در خدمات کشوری دولت فدرال استرالیا (ادوارد، ۲۰۰۹) و استفاده از راهبردهای خط‌مشی مبتنی بر شواهد^۷ در کانادا (هاولت، ۲۰۰۹). علاوه بر این، مطالعاتی درباره «تأثیر تغییرات کلان در ساختار دولت» بر ظرفیت خط‌مشی نیز انجام شده است؛ برای مثال چنگ^۸ (۲۰۰۴) اثر پایان نقش استعمارگری در هنگ‌کنگ را بر توانایی این کشور در تدوین و انتقال خط‌مشی عمومی بررسی کرده است (نیومن، پرل و ولستد، ۲۰۱۳). نبودن مطالعات تجربی در حوزه ظرفیت خط‌مشی با عدم توسعه چارچوب‌های نظری همراه، و بیشتر مطالعات این حوزه بر مطالعه موردی و مصاحبه با مقامات دولتی مبتنی بوده است (ولستد و استدمن، ۲۰۱۰). در مجموع با بررسی ادبیات حوزه ظرفیت خط‌مشی می‌توان گفت عنصر محوری

1 - Schneider & Ingram

2 - Press

3 - Anderson

4 - Wellstead & Stedman

5 - Bakvis

6 - Perl, White

7 - Evidence - based policy

8 - Cheung

این موضوع، مفهوم «توانایی» است (هونادل، ۱۹۸۱؛ کریستینسن و لئوگرید، ۲۰۰۵؛ فلگی، ۱۹۹۶؛ گای پیترز، ۱۹۹۶؛ دیویس و کیتینگ، ۲۰۰۰؛ پولیدانو، ۲۰۰۰؛ پولیدانو، ۲۰۰۰؛ کامینگز و نورگارد، ۲۰۰۴؛ پارسونز، ۲۰۰۴؛ پینتر و پییر، ۲۰۰۵؛ ادواردز، ۲۰۰۹؛ نیومن، پرل و ولستد، ۲۰۱۳)؛ توانایی دولت برای اجرای وظایف خطمشی گذاری در پارادایم «حکمرانی» (پینتر و پییر، ۲۰۰۵) و گرفتن «تصمیمات جمعی مشترک» (کریستینسن و لئوگرید، ۲۰۰۵؛ فلگی، ۱۹۹۶؛ پولیدانو، ۲۰۰۰؛ پینتر و پییر، ۲۰۰۵).

جدول ۱: برخی از کارهای پژوهشی حوزه ظرفیت خطمشی - خارج کشور

عنوان	پژوهشگران	بیان مختصر پژوهش
یک چارچوب ظرفیت‌سازی، کاوشی برای مفهوم و هدف	هونادل، ۱۹۸۱	مفاهیم و اهداف موضوع ظرفیت را به صورت دوگانهای بیان کرده و آنها را مورد نقد و بررسی قرار داده است.
ظرفیت خطمشی حکومت	گای پیترز، ۱۹۹۶	در این گزارش پژوهشی، مفهوم ظرفیت خطمشی و علل کاهش آن مورد مطالعه قرار گرفته است.
تقویت ظرفیت خطمشی ما	فلگی، ۱۹۹۶	چیستی و چگونگی افزایش ظرفیت خطمشی کشور کانادا مورد بررسی قرار گرفته است.
افول یا حفظ ظرفیت قوه مجریه؟ نگاهی دوباره بر یکپارچه‌سازی سیاسی و اقتصادی	کورزر، ۱۹۹۷	اثر یکپارچه‌سازیهای سیاسی و اقتصادی اتحادیه اروپا بر ظرفیت دولت در کشور بلژیک ارزیابی شده است.
جهانی‌سازی و زوال دموکراسی	فیلیپ کرنی، ۱۹۹۹	نقش جهانی‌سازی و پیوستن به سازمانهای جهانی در کاهش دموکراسی کشورها را بررسی می‌کند.
ظرفیت خطمشی و آینده حکمرانی	دیویس، ۲۰۰۰	ظرفیت خطمشی حکومتها، حاصل توانایی آنها در شکل‌دهی به آینده است.
مفهوم‌سازی ظرفیت دولت، مقایسه قزاقستان و قرقیزستان	کامینگز و نورگارد، ۲۰۰۴	ظرفیت دولت را بر اساس چهار مؤلفه اندیشه‌ای، سیاسی، فنی و اجرایی مفهوم‌سازی، و دو کشور قزاقستان و قرقیزستان را بر اساس پیمایشی انجام شده در سال ۲۰۰۲ مقایسه کرده است.
چالشهایی در ظرفیت خطمشی دولت، روندهای جهانی و رویکردهای تطبیقی	پینتر و پییر، ۲۰۰۵ الف	عمده مقالات این کتاب با رویکرد نهادی به بررسی چالشها و روندهای حاضر در موضوع ظرفیت خطمشی پرداخته است.

آنچه در بررسی سابقه پژوهشی این موضوع مشهود است، نگاه هنجاری و ارزش محوری است که در مفهوم‌سازی ظرفیت خطمشی وجود دارد. کارهای پژوهشی در کشور درباره این مفهوم

بیشتر جنبه کاربردی داشته و در موارد اندکی، که بنیادی انجام شده است، فاقد نگاه هنجاری و توجه به بسترهای بومی موضوع است؛ لذا این پژوهش به دنبال پرکردن خلأ هنجار محوری در بازپردازی این موضوع است.

جدول ۲: برخی از کارهای پژوهشی حوزه ظرفیت خطمشی - داخل کشور

پژوهشگران	عنوان
حسن دانایی فرد؛ اسدالله کرد نائیچ؛ سمانه لاجوردی، ۱۳۹۰	مقاله: ارتقای ظرفیت خطمشی گذاری کشور، گونه‌شناسی نقش کانونهای تفکر
حسن دانایی فرد، سید یعقوب حسینی، علی اصغر فانی، ۱۳۹۲	کتاب: ظرفیت خطمشی گذاری عمومی کلید توسعه یافتگی ملی
رضا بنی اسد، ۱۳۹۳	پایان‌نامه: ارتقای ظرفیت خطمشی گذاری در مجلس شورای اسلامی ایران
حسن دانایی فرد، سید مجتبی امامی، سید کاظم حسینی، ۱۳۹۵	مقاله: درآمدی تحلیلی بر فهم موضوع ظرفیت خطمشی عمومی، بررسی ماهیت، موضوع و کارکرد

روش پژوهش

هدف این پژوهش تبیین مفهوم ظرفیت خطمشی بر اساس مولفه‌های بومی و تولید نظریه است. بر این اساس از روش نظریه پردازی داده بنیاد استفاده شده است. کرسول (۲۰۰۵) معتقد است پژوهشگران هنگامی به سراغ استفاده از نظریه پردازی داده بنیاد می‌روند که نیازمند یک نظریه یا تبیین کلی (اجمالی) از یک فرایند هستند. نظریه داده بنیاد به دلیل اینکه در داده‌ها «بنیان» دارد، نسبت به نظریه‌ای که از مجموعه نظریه‌های موجود اقتباس، و تطبیق داده می‌شود، تبیین بهتری ارائه می‌کند؛ زیرا با موقعیت تناسب دارد؛ در عمل واقعاً کارآمد است و همه پیچیدگی‌هایی را نشان می‌دهد که واقعاً در فرایند یافت می‌شود و در تبیین چگونگی شکل‌گیری هر فرایند بسیار کارآمد است (کرسول، ۲۰۰۵: ۳۹۶).

سه رهیافت متمایز در نظریه‌سازی داده بنیاد وجود دارد: رهیافت نظام‌مند^۱ توسط اشتراوس - کوربن^۲، رهیافت نوظهور^۳ توسط گلنزر و رهیافت ساختگرا^۱ توسط چارمز (کرسول^۲، ۲۰۰۷: ۴۲۴)

1 - Systematic
2 - Corbin
3 - Emergent

تا (۴۳۰). از میان این رهیافتها با توجه به ماهیت و هدف پژوهش از رهیافت نوظهور استفاده شده است. بنا به نظر گلنیر، اشتراوس و کورین بیش از حد بر قواعد و شیوه‌ها، چارچوبهای جبری و از پیش تعیین شده برای مقوله‌ها و ممیزی نظریه به جای ظهور نظریه، تأکید کرده‌اند. در مقابل، گلنیر بر اهمیت ظهور نظریه از درون داده‌ها به جای استفاده از مقوله‌های معین نظیر آنچه در پارادایم شناسه‌گذاری محوری (شرایط علی، محتوا، شرایط مداخله‌گر، راهبردها و پیامدها) استفاده می‌شود، تأکید دارد. در مجموع رویکرد منتسب به گلنیر نسبت به رویکرد اشتراوس منعطف‌تر و کمتر تجویزکننده است (دانایی فرد، ۱۳۸۹: ۵۴ و ۵).

یافته‌های پژوهش

ورود به زمینه پژوهشی در نظریه داده‌بنیاد باید کلی باشد و شامل ساختها یا نظریه‌های پیشینی نباشد (امامی، ۱۳۹۰). این پژوهش با طرح یک سؤال کلی و باز آغاز شد: "با توجه به ماهیت «ظرفیت خط‌مشی»، که به مفهوم «توانایی» حکومتها برای کارویژه‌های مربوط به خط‌مشی‌گذاری اشاره دارد (دانایی فرد و همکاران، ۱۳۹۵)، تواناییهای جمهوری اسلامی برای اداره عرصه‌های خط‌مشی عمومی چیست؟" برای پاسخ به این سؤال و بر اساس منطق نمونه‌برداری نظری در نظریه‌پردازی داده‌بنیاد، ابتدا باید منبع نمونه‌برداری انتخاب شود؛ این منبع باید در سطح کلان به اقتضات کشور نگاه کند و هم با توجه به ماهیت ظرفیت خط‌مشی، که به لایه تصمیم‌گیری مربوط است، ناظر به این لایه سخن گفته باشد. در میان افراد کشور، مقام معظم رهبری به دلیل داشتن مسئولیتهای مختلفی از قبیل نمایندگی مجلس شورای اسلامی، ریاست جمهوری، رهبری و حضور در برخی مناصب دیگر مثل شورای دفاع از این ویژگیها برخوردار هستند. برای پاسخ به سؤال پژوهش ابتدا تمامی سخنرانیهای ایشان در جمع هیئت دولت مطالعه و شناسه‌گذاری اولیه انجام شد. در مجموع ۳۷۰ شناسه اولیه ثبت، و به موازات آن، فرایند ثبت یادداشت نیز انجام شد. با انباشته شدن شناسه‌ها و یادداشتها تلاش شد تا روابط میان آنها فهم، و شناسه‌گذاری نظری انجام شود. خروجی این مرحله ظهور یک الگو بود؛ الگویی که به نظر می‌رسید ابعاد و مؤلفه‌های دیگری نیز دارد که بخوبی مشخص نشده است. برای این منظور سخنان معظم له در جمع کارگزاران نظام،

1 - Constructivist

2 - Creswell

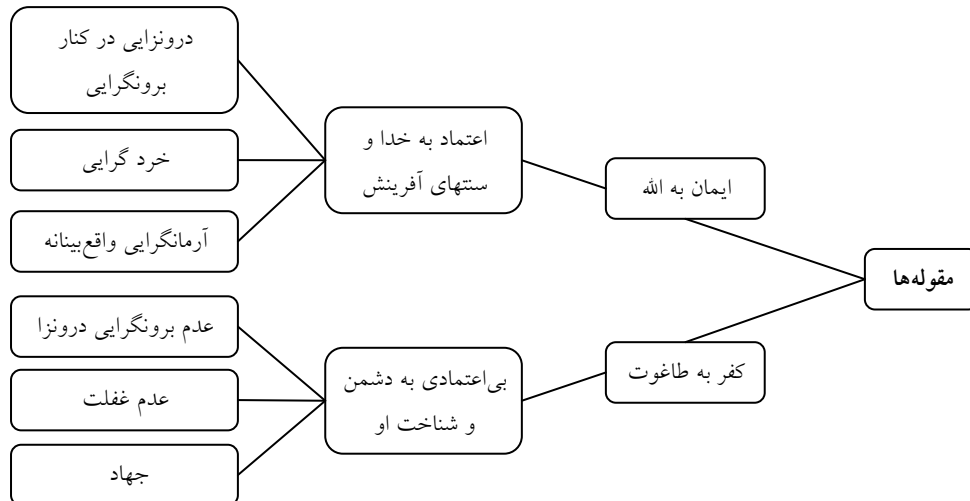
نمایندگان مجلس، قوه قضاییه و دیگر نهادهای مرتبط با خط‌مشی‌گذاری مثل شورای عالی انقلاب فرهنگی و صدا و سیما نیز مطالعه شد. این فرایند رفت و برگشتی به تکمیل آن الگو منجر شد. در مرحله بعد و بر اساس منطق نظریه داده‌بنیاد، متغیر محوری پژوهش مشخص شد. «قدرت ملی» که با ماهیت ظرفیت خط‌مشی نیز تناظر خوبی دارد به عنوان متغیر محوری انتخاب شد. پس از تعیین متغیر محوری، سعی شد داده‌ها بر اساس این متغیر شناسه‌گذاری، و ارتباط مقوله‌های مختلف به همدیگر و به متغیر مرکزی مشخص شود. بعد از طی این مراحل، محصول کار نوشته و سعی شد در شبیه به یک نظریه نوشته شود و برای ایجاد غلظت نظری، مفاهیم در قالب یک جدول ارائه شد.

جدول ۳: نمونه‌ای از شناسه‌گذاری داده‌ها

شماره شناسه	شناسه	عبارات منتخب از متن
۸۷۰۹۲۴۰۹	ساخت حقوقی و رسمی نظام	آنچه مهم است این است که نظام جمهوری اسلامی یک ساخت حقوقی و رسمی دارد که آن قانون اساسی، مجلس شورای اسلامی، دولت اسلامی، انتخابات - همین چیزهایی که مشاهده می‌کنید - است که البته حفظ اینها لازم و واجب است؛ اما کافی نیست.
۸۷۰۹۲۴۱۰	اجزای ساخت حقوقی	
۸۷۰۹۲۴۱۱	حفظ ساخت حقوقی نظام	همیشه در دل ساخت حقوقی، یک ساخت حقیقی، یک هویت حقیقی و واقعی وجود دارد؛ او را باید حفظ کرد.
۸۷۰۹۲۴۱۲	ساخت حقیقی نظام	آن ساخت درونی چیست؟ همان آرمانهای جمهوری اسلامی است: عدالت، کرامت انسان، حفظ ارزشها، سعی برای ایجاد برادری و برابری، اخلاق، ایستادگی در مقابل نفوذ دشمن؛ اینها آن اجزای ساخت حقیقی و باطنی و درونی نظام جمهوری اسلامی است.
۸۷۰۹۲۴۱۵	آرمانهای جمهوری اسلامی ایران و ساخت حقیقی	
۸۷۰۹۲۴۱۸	اجزای ساخت حقیقی نظام	

جدول ۴: مفاهیم نهایی

مفاهیم	شماره شناسه‌ها
مردمی سازی	۸۸۰۴۰۷۱، ۸۷۰۹۲۴۴۱، ۸۷۰۹۲۴۴۰، ۸۷۰۹۲۴۳۶، ۸۷۰۹۲۴۳۵، ۶۸۱۱۰۹۷ ۹۰۰۵۱۶۷، ۸۹۰۶۰۸۲، ۸۹۰۶۰۸۱، ۸۹۰۱۱۶۰۵، ۸۸۰۴۰۷۶، ۸۸۰۴۰۷۲
وجود کار کارشناسی و تجربه‌های مدیریتی متراکم	۹۱۰۷۲۴۳، ۸۹۰۱۱۶۰۴، ۸۰۱۲۲۷۱، ۶۸۱۱۰۹۵، ۶۸۱۱۰۹۳، ۹۴۰۴۰۲۱۵ ۹۳۱۱۲۹۱۱، ۹۲۰۶۰۶۲۷، ۹۲۰۶۰۶۲۶، ۹۲۰۶۰۶۲۵، ۹۲۰۴۳۰۴، ۹۱۰۷۲۴۲
توجه به واقعیت‌های سه‌گانه در خط‌مشی‌گذاری	۹۰۰۷۲۴۲، ۹۵۰۱۰۱۴، ۹۲۰۴۳۰۱۱، ۹۲۰۴۳۰۱۰، ۹۲۰۴۳۰۶، ۹۱۰۵۰۳۱۲
حفظ خطوط فاصل با دشمن	۹۳۰۴۱۶۸، ۷۸۱۰۰۴۳
شناخت و تحلیل نقشه دشمن	۹۵۰۳۲۵۳۰، ۹۵۰۳۲۵۲۹، ۹۵۰۳۲۵۱۷، ۹۳۰۴۱۶۹، ۹۲۰۴۳۰۹، ۹۲۰۱۰۱۲ ۹۵۰۳۲۵۳۱
لحاظ کردن عنصر مبارزه در خط‌مشی‌ها	۹۵۰۳۰۳۲، ۹۳۰۳۰۴۱
التزام به گفت‌وگو درون‌زایی حداقل در یکی از سطوح سه‌گانه	۹۴۱۱۲۸۸، ۹۴۱۱۲۸۷، ۹۴۱۱۲۸۶، ۹۴۰۱۰۱۸، ۹۴۰۱۰۱۶، ۹۴۰۱۰۱۱ ۹۴۱۱۲۸۱۳، ۹۴۱۱۲۸۹
اتقان کاری	۹۲۰۴۳۰۱، ۹۱۰۷۲۴۴، ۸۵۰۳۲۹۶، ۸۵۰۳۲۹۵، ۸۵۰۳۲۹۴
مجاهدت مدبرانه	۹۱۰۵۰۳۰۵، ۹۱۰۵۰۳۰۴، ۹۱۰۵۰۳۰۳، ۹۱۰۵۰۳۰۲، ۹۱۰۵۰۳۰۱ ، ۹۱۰۵۰۳۱۵، ۹۱۰۵۰۳۱۴، ۹۱۰۵۰۳۱۳، ۹۱۰۵۰۳۰۷، ۹۱۰۵۰۳۰۶ ۹۱۰۵۰۳۱۶
شجاعت و اعتماد به نفس در برابر دشمن	۹۰۰۵۱۶۱۰، ۸۹۰۱۲۲۲، ۸۷۰۹۲۴۳۸، ۸۳۰۶۳۱۱۲
مراقبت از دستگاه محاسباتی	۹۳۰۵۰۱۱، ۹۳۰۴۱۶۱
پیروی نکردن (جهاد کبیر)	۹۵۰۳۰۳۲، ۹۵۰۳۰۳۱، ۹۵۰۳۰۶۱



نمودار ۱: مقوله‌های نهایی

روایت ظرفیت خطمشی عمومی انقلاب اسلامی

فهم ظرفیت خطمشی انقلاب اسلامی مستلزم تبیین ابعاد تشکیل‌دهنده تواناییهای انقلاب اسلامی به منظور کارویژه‌های خطمشی عمومی است. در ادبیات مقام معظم رهبری، «ساخت حقیقی» و «ساخت حقوقی» دو عنصر تشکیل‌دهنده انقلاب اسلامی است. ساخت حقیقی آرمانها و اهداف انقلاب، و ساخت حقوقی قالبهای ظاهری اداره جامعه - دولت، مجلس، قانون اساسی و ... - است. تجلی عناصر و مؤلفه‌های ساخت حقیقی در عناصر ساخت حقوقی متضمن تولید ظرفیت خطمشی عمومی خواهد بود.

عدالت، اجرای احکام اسلامی، تمدن‌سازی اسلامی و دستیابی به حیات طیبه اسلامی به‌عنوان آرمان و اهداف انقلاب اسلامی در ادبیات مقام معظم رهبری بیان شده است؛ از میان همه این موارد، ایشان مفهوم «حیات طیبه» را به‌عنوان چکیده اهداف انقلاب اسلامی بیان کرده‌اند (۹۴/۰۶/۲۵) و بر این اساس وظیفه حکومت را «بازتولید و تأمین حیات طیبه» می‌دانند (۸۷/۰۶/۱۹). حیات طیبه اسلامی در اندیشه مقام معظم رهبری دربرگیرنده دو عنصر «ایمان به الله» و «کفر به طاغوت» است (۹۴/۰۶/۲۵) و مؤلفه‌های قدرت ملی به منظور بازتولید و تأمین حیات طیبه اسلامی در دیدگاه ایشان برخاسته از این دو عنصر نظری توحیدی جدایی‌ناپذیر است؛ عناصری که سطح

اول نظریه ظرفیت خط‌مشی انقلاب اسلامی را تشکیل می‌دهد و پشتوانه فلسفی و نظری موضوع ظرفیت خط‌مشی است؛ پشتوانه‌ای که تجلی آن را می‌توان در دیگر سطوح نیز آشکارا دید. سطح دوم را می‌توان ترجمان رویکرد توحیدی سطح اول در عرصه نظام اجتماعی انقلاب اسلامی دانست. این سطح متشکل از دو مفهوم «اعتماد به خدا و سنت‌های آفرینش» و «شناخت دشمن و بی‌اعتمادی به او» است (۹۳/۰۴/۱۶).

سطح سوم، عناصر کاهش‌یافته از «اعتماد به خدا و سنت‌های آفرینش» و «شناخت دشمن و بی‌اعتمادی به او» است. این عناصر ملهم یافته از ساخت حقیقی باید خود را در ابعاد ساخت حقوقی متجلی سازد تا «قدرت ملی» برای «تولید و باز تأمین حیات طیبه اسلامی» فراهم شود. در واقع چون ساخت حقیقی، روح ساخت حقوقی است، ارزیابی میزان صحت و درستی ساخت حقوقی به رعایت ارزشهای متبلور شده از دل ساخت حقیقی است.

ضرب عناصر این سطح در ابعاد ساخت حقیقی انقلاب اسلامی بیانگر توانمندیهای ملی کشور در تحقق آرمان انقلاب اسلامی خواهد بود. از آنجا که دو مفهوم «ایمان به الله» و «کفر به طاغوت» جدایی‌ناپذیر، مکمل و دارای ویژگی نفی و اثباتی است (۹۴/۰۶/۲۵)، عناصر کاهش یافته از آنها نیز در هر سطحی باید از این ویژگیها برخوردار باشد. هر کدام از دو مؤلفه «اعتماد به خدا و سنت‌های آفرینش» و «شناخت دشمن و بی‌اعتمادی به او» یک قالب محتوایی و یک قالب فرمی دارد. قالب محتوایی در مؤلفه «اعتماد به خدا و سنت‌های آفرینش» دقیقاً برگرفته از متن بیانات مقام معظم رهبری است و قالب محتوایی «بی‌اعتمادی به دشمن و شناخت او» با توجه به ویژگی نفی و اثباتی بودن این دو مؤلفه که قبلاً ذکر شد عناوینی منتخب از سوی پژوهشگر با لحاظ قرار دادن این ویژگی دارد. قالبهای فرمی نیز، که در هر کدام از این دو مؤلفه مشترک است، مفاهیمی برگرفته از ادبیات رایج از ظرفیت خط‌مشی (وو، رامش و هاوالت، ۲۰۱۵: ۳)^۱ و ادبیات مقام معظم رهبری است.

۱ - ساخت حقیقی انقلاب اسلامی

۱ - ۱ - اعتماد به خدا و سنت‌های آفرینش

«اعتماد به خدا و سنت‌های آفرینش» در اندیشه مقام معظم رهبری متشکل از سه عنصر است: «درونزایی در کنار برونگرایی»، «خردگرایی» و «آرمانگرایی واقع‌بینانه».

۱-۱-۱- درونزایی در کنار برونگرایی

«اعتماد به مردم» مهمترین و پرتکرارترین عنصر این مؤلفه در اندیشه مقام معظم رهبری است (۹۳/۰۴/۱۶). تجلی این عنصر محوری در عرصه اداره کشور با عباراتی نظیر «توانایی درونی»، «ظرفیتهای درونی»، «استعداد درونی»، «درونزایی» و مفاهیم مشابه در ادبیات ایشان بوده است؛ اما شاید بتوان گفت کاملترین توصیف، عبارت «درونزایی در کنار برونگرایی» است (۹۴/۰۴/۰۲). عنصر «درونزایی در کنار برونگرایی» و به عبارت عامتر اعتماد و ایمان به مردم در اندیشه مقام معظم رهبری با «قدرت سیاسی» انقلاب اسلامی مترادف است (۹۱/۰۶/۲۸) که در قالب فرمی «درونزایی در کنار برونگرایی» نامگذاری شده است.

۱-۱-۲- خردگرایی

قدرت ملی به‌مثابه کلید بازیابی و تأمین حیات طیبه اسلامی نیازمند بهره‌گیری از ابزارها است. مفاهیمی در ادبیات مقام معظم رهبری می‌توان یافت که بیان‌کننده مفهوم «خردگرایی» است؛ از آن جمله می‌توان به «برنامه‌ریزی مدبرانه»، «به‌کارگیری ابزارهای در دسترس»، «استفاده از ظرفیت کارشناسی کشور»، «شفافیت، انسجام، ثبات و استمرار سیاستها»، «اولویت‌بندی در تصمیم‌گیری»، «به‌کارگیری علم، عقل، عزم» و «حکمت و خردگرایی» اشاره کرد (۹۵/۰۳/۲۵). تمامی این موارد را می‌توان ذیل عنوان «خردگرایی» قرارداد.

«خردگرایی» دومین قالب محتوایی قدرت است که از مفهوم «اعتماد به خدا و سنتهای آفرینش» کاهش یافته است. این مفهوم با مفهوم «ظرفیت تحلیلی» در ادبیات ظرفیت خط‌مشی قرابت نزدیکی دارد؛ از همین رو قالب فرمی آن «قدرت تحلیلی» نامگذاری شده است.

۱-۱-۳- آرمانگرایی واقع‌بینانه

ترکیب دو مفهوم آرمانگرایی و واقعگرایی، که معمولاً به‌عنوان مفاهیم متباین به کار می‌رود در اندیشه مقام معظم رهبری لازم و ملزوم یکدیگر است (۹۱/۰۵/۰۳). ایشان اجرای این دو عنصر را در عمل، «حرکت مجاهدانه» همراه با «تدبیر» می‌دانند (۹۱/۰۵/۰۳) که نبودن هرکدام از آنها «بازتولید و تأمین حیات طیبه» را با مشکل روبه‌رو می‌کند. قالب فرمی این مفهوم «قدرت عملیاتی» نامگذاری شده است؛ چرا که به‌نوعی تعیین‌کننده جریان حرکت در عمل است.

۱-۲- شناخت دشمن و بی‌اعتمادی به او

با روشن شدن مؤلفه‌ها و عناصر مفهوم «اعتماد به خدا و سنتهای آفرینش» و با توجه به اینکه

بیان شد، مفاهیم «اعتماد به خدا و سنتهای آفرینش» و «شناخت دشمن و بی‌اعتمادی به او» به‌نوعی از ویژگی مکمل بودن و نفی و اثباتی برخوردار است، می‌توان گفت عناصر و مؤلفه‌های این مفهوم، نفی عدم عناصر و مؤلفه‌های مفهوم «اعتماد به خدا و سنتهای آفرینش» است. براین اساس عناصر این بعد در قالب «نفی برونگرایی غیر درونزا»، «عدم غفلت» و «جهاد» نامگذاری شده است. آنچه بیان شده را می‌توان به‌طور خلاصه عناصر کاهش یافته ساخت حقیقی انقلاب اسلامی دانست که در سه سطح ظهور یافته است. دستیابی به آرمان والای حیات طیبه اسلامی نیازمند حضور و ورود عناصر ساخت حقیقی در ابعاد و عناصر ساخت حقوقی انقلاب اسلامی است. ساخت حقوقی در بیانات مقام معظم رهبری همان ارکان و لوازم عینی اداره کشور است که در این پژوهش در قالب «سازوکارها» و «کارگزارها» تقسیم‌بندی شده است. سازوکارها شامل نهادها، مراکز تصمیم‌گیری، قواعد و قوانین عرصه خط‌مشی و کارگزارها نیز مجریان و عاملان خط‌مشی‌گذاری و اداره کشور هستند.

۲ - ساخت حقوقی انقلاب اسلامی

تجلی‌شش عنصر «درونزایی در کنار برونگرایی»، «خردگرایی»، «آرمانگرایی واقع‌بینانه»، «نفی برونگرایی غیر درونزا»، «نفی غیر خردگرایی» و «جهاد کبیر» در دو رکن ساخت حقوقی یعنی «سازوکارها» و «کارگزارها» در مجموع تشکیل‌دهنده عناصر توانایی‌ساز انقلاب اسلامی برای اجرای کارویژه‌های مربوط به خط‌مشی‌گذاری به منظور بازتولید و تأمین حیات طیبه است.

جدول ۵: مؤلفه‌های ظرفیت خط‌مشی عمومی انقلاب اسلامی

ساخت حقیقی						
کفر به طاغوت			ایمان به الله			
شناخت دشمن و بی‌اعتمادی به او			اعتماد به خدا و سنت‌های آفرینش			
محتوای قدرت	درونزایی در کنار پرونگرایی	خردگرایی	آرمانگرایی واقع‌بینانه	نفی پرونگرایی غیر درونزا	عدم غفلت	جهاد
فرم قدرت	سیاسی	تحلیلی	عملیاتی	سیاسی	تحلیلی	عملیاتی
ساخت حقوقی	سازوکارها	مردمی سازی	وجود کار و کارشناسی و تجربه‌های مدیریتی متراکم	توجه به واقعیت‌های سه‌گانه در خط‌مشی‌گذاری	حفظ خطوط فاصل با دشمن	شناخت و تحلیل عنصر مبارزه در خط‌مشی‌ها
	کارگزارها	التزام به گفتمان درونزایی در سطوح سه‌گانه	اتقان کاری	مجاهدت مدبرانه	شجاعت و اعتمادبه‌نفس در برابر دشمن	مراقبت از دستگاه محاسباتی پیروی نکردن

۱- ۲- سازوکارها

سازوکارهای عرصه خط‌مشی عمومی برای اینکه، توانمندی لازم را برای خط‌مشی و به عبارت دیگر ظرفیت خط‌مشی داشته باشد، باید بتواند این عناصر ششگانه را در خود متبلور سازد. وقتی سازوکارها «مردمی» شود (۹۳/۱۱/۲۹) و در اداره آنها از «کار کارشناسی و تجربه‌های مدیریتی متراکم» استفاده شود (۹۲/۰۶/۰۶) و در بعد عملیاتی‌سازی «واقعیت‌های سه‌گانه» در نظر گرفته شود، واقعیت‌هایی که نشان‌دهنده «موجبات اقتدار»، «کمبودها» و «موانع حرکت» است (۹۱/۰۵/۰۳)، می‌توان گفت بعد ایجابی ظرفیت خط‌مشی در سازوکارها ایجاد شده است.

در بعد سلبی، که مکمل بعد ایجابی است، سازوکارها باید ترسیم‌کننده و حفظ‌کننده «خطوط فاصل با دشمن» باشد (۸۷/۱۰/۰۴)؛ یعنی در رویارویی با دشمن باید نسبت خود را با آنها و هم‌چنین چگونگی رویارویی نرم‌افزاری با قواعد دشمن را مشخص کنند که در قواعد و قوانین بین‌المللی تجلی دارد؛ به عبارت دیگر آنها باید طوری طراحی شوند تا بتوانند نسبت حرکت انقلاب را با دشمنان آن نشان دهند و ترسیم‌کننده و محافظت‌کننده خطوط فاصل انقلاب با دشمن باشند. از سوی دیگر باید نسبت به «نقشه دشمن» «شناخت» ایجاد، و آن را «تحلیل»، (۹۵/۰۳/۲۵) و

در تمامی سطوح خط‌مشی‌گذاری به «عنصر مبارزه» توجه کنند (۹۳/۰۴/۰۴).

۲ - ۲ - کارگزارها

کارگزارها به‌عنوان دومین پایه ساخت حقوقی انقلاب اسلامی باید از برخی توانمندیها به منظور اجرای وظایف خط‌مشی‌گذاری عمومی برخوردار باشند. در بعد ایجابی و بر اساس عناصر سه‌گانه این بعد، کارگزاران انقلاب اسلامی باید گفتمان «درونزایی در کنار برونگرایی» را به حیث پیش، کنش و گرایش در خود ایجاد کنند؛ وظایف خود را در هر سطحی از شبکه خط‌مشی‌گذاری که قرار دارند به شیوه‌ای «متقن» انجام دهند (۶۹/۱۲/۱۴) که از ویژگیهای آن می‌توان به به‌کارگیری دانش و پژوهش در جهت طراحی خط‌مشی‌های منسجم، شفاف و باثبات اشاره کرد. علاوه بر این، کارگزارها باید بتوانند همزمان هم «حرکت مجاهدانه» داشته باشند و هم عنصر «تدبیر» را در حرکت خود مدنظر قرار دهند (۹۱/۰۵/۰۳). مجاهدت، تبلور روحیه آرمانگرایی و تدبیر ناشی از واقعگرایی است.

در بعد سلبی، «شجاعت و اعتمادبه‌نفس در برابر دشمن» به‌عنوان یک شاخص در کارگزارهای انقلاب اسلامی باعث اعتماد به مردم و بازتولید شجاعت و اعتمادبه‌نفس در میان مردم جامعه می‌شود (۸۷/۰۹/۲۴). هم‌چنین پیروی از اصول و ارزشهای القایی از سوی دشمنان باعث تغییر چارچوب و ارزشهای تصمیم‌گیرندگان انقلاب اسلامی می‌شود. مهمترین اثر این تغییر بر دستگاه محاسباتی آنها است؛ پس «مراقبت از دستگاه محاسباتی» از سوی کارگزارها مانع از گرایش آنها به عمل در قواعد طراحی شده از سوی دشمن خواهد شد (۹۴/۱۲/۲۰). علاوه بر این «پیروی نکردن از دشمن» در تمامی عرصه‌های عمومی به کارگیری مؤلفه‌های بومی و در نتیجه افزایش توانمندی انقلاب اسلامی در برخورد با جبهه باطل منجر خواهد شد (۹۵/۰۳/۰۳).

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

مفهوم‌پردازی ظرفیت خط‌مشی به‌عنوان مفهومی وابسته به زمینه، نیازمند توجه به ماهیت انقلاب اسلامی به‌عنوان زمینه شکل‌گیری این موضوع است. انقلاب در ذات خود پدیده‌ای دارای آرمان است و خط‌مشی عمومی ابزاری برای تحقق آرمانها است. خط‌مشی‌های انقلاب اسلامی باید از ظرفیتهایی برخوردار باشند تا بتوانند آرمان انقلاب اسلامی را محقق کنند که «بازتولید و تأمین

حیات طیبه» است. این ظرفیتها منشأ گرفته از «ساخت حقیقی» و «ساخت حقوقی» انقلاب اسلامی است. ساخت حقوقی بیانگر عناصر عینی اداره جامعه است که به دو عنصر «سازوکارها» و «کارگزارها» تقسیم شده است. ساخت حقیقی نیز، که همان آرمانهای انقلاب اسلامی است، یک سطح نظری، یک سطح میانی و یک سطح عینی دارد. سطح عینی متشکل از عناصری است که یک جلوه محتوایی و یک جلوه فرمی دارد. ضرب عناصر ساخت حقیقی در عناصر ساخت حقوقی بیانگر قدرت ملی و یا به عبارت دیگر ظرفیت خطمشی انقلاب اسلامی است.

آنچه در مقایسه با ادبیات غربی حوزه ظرفیت خطمشی بسیار قابل توجه است، مبنایی بودن مؤلفه‌های ظرفیت خطمشی در اندیشه مقام معظم رهبری است؛ موضوعی که در ادبیات غرب، نبودن آن به تکرر و در برخی موارد تعارضاتی در نظریات منجر شده است. توحیدی بودن مبنای ایشان در عرصه حکومت حتی در عناصر عینی عرصه اجرا نیز ملموس است. به رغم ادعای اندیشمندان این حوزه بر بستر محور بودن ظرفیت خطمشی، نظریات این موضوع در طول زمان، حالت جهانشمول به خود گرفته، و از ماهیت وابستگی به بستر و منحصر به فرد بودن خارج شده است. پیوند خوردن مؤلفه‌های «ظرفیت خطمشی»، که در اندیشه ایشان با «قدرت ملی» مترادف است با بستر کشور و اقتضائات موجود در آن باعث شکل‌گیری یک نظریه کاملاً بومی از ظرفیت خطمشی شده است.

نتایج این پژوهش حاوی دلالت‌هایی برای حوزه‌های خطمشی‌گذاری کشور است؛ به طور مثال ظرفیت خطمشی اقتصاد در انقلاب اسلامی به این معنا است که دولت برای داشتن توانایی و قدرت لازم برای خطمشی‌گذاری در حوزه اقتصاد باید سرمایه و مدیریت «مردم» را به کار بگیرد؛ به جای تقلید از مبانی غربی، تجربه‌های این موضوع را در کشور مدنظر قرار دهد؛ ضمن توجه به «واقعیت‌های» کشور بتواند از طریق جمع بین «تدبیر» اقتصادی و حرکت «مجاهد» گونه این واقعیات را با آرمانها ترکیب کند. در فرایند تدوین خطمشی‌های اقتصادی از وجود «دشمن» «غفلت» نکند و به گونه‌ای فرایند خطمشی‌گذاری را طی کند که این حرکت در هر لحظه بخوبی تبیین‌کننده جایگاه دشمن در اقتصاد و چگونگی رویارویی ما با او باشد.

در این پژوهش به تبیین نظری مؤلفه‌های ظرفیت خطمشی عمومی انقلاب اسلامی بر اساس اندیشه مقام معظم رهبری پرداخته شد. این مؤلفه‌ها باید در عرصه عمل و برای اندازه‌گیری ظرفیت هر کدام از حوزه‌های عمومی به کار گرفته شود؛ لذا در این راستا توصیه می‌شود در پژوهشهای

آینده با توجه به مبانی نظری بیان شده، سنجه‌هایی برای اندازه‌گیری ظرفیت خط‌مشی عمومی طراحی شود. علاوه بر این، می‌توان این موضوع را با بهره‌گیری از آرا و اندیشه دیگر نظریه‌پردازان انقلاب اسلامی مثل حضرت امام خمینی، علامه طباطبایی، شهید مطهری و غیره گسترش داد و به ابعاد دیگری از این موضوع نیز دست یافت.

منابع فارسی

- قرآن، ترجمه محمد مهدی فولادوند. تهران: دفتر مطالعات و تاریخ و معارف اسلامی، دارالقرآن الکریم
- امامی، سید مجتبی (۱۳۹۰). فهم فرایند تقلیدپذیری در خط‌مشی‌گذاری عمومی ایران: پژوهشی مبتنی بر روش‌شناسی نظریه‌پردازی داده‌بنیاد. رساله دکتری. دانشگاه تهران.
- بازرگان، عباس (۱۳۸۷). مقدمه‌ای بر روش‌های تحقیق کیفی و آمیخته: رویکردهای متداول در علوم رفتاری. تهران: دیدار.
- امام خامنه‌ای، سید علی. مجموعه بیانات. سایت: www.khamenei.ir
- دانایی‌فرد، حسن (۱۳۹۵). فهم شکل‌گیری خط‌مشی‌های رفع تکلیفی در کشور: پردازش مفهومی، پیش‌آیندها و پس‌آیندها. فصلنامه علمی - پژوهشی سیاست علم و فناوری. ش ۸: ۷۹ تا ۹۶.
- دانایی‌فرد، حسن؛ امامی، سید مجتبی؛ حسینی، سید کاظم (۱۳۹۵). درآمدی تحلیلی بر فهم موضوع ظرفیت خط‌مشی عمومی: بررسی ماهیت، موضوع و کارکرد. سیاست‌گذاری عمومی. ش ۳: ۷۹ تا ۹۹.
- دانایی‌فرد، حسن؛ حسینی، سید یعقوب؛ فانی، علی‌اصغر (۱۳۹۲). ظرفیت خط‌مشی‌گذاری عمومی کلید توسعه‌یافتگی ملی. تهران: صفار.
- دانایی‌فرد، حسن؛ کردنائیچ، اسدالله؛ لاجوردی، سمانه (۱۳۹۰). ارتقای ظرفیت خط‌مشی‌گذاری کشور: گونه‌شناسی نقش کانون‌های تفکر. مدیریت دولتی. ش ۶: ۵۵ تا ۷۸.

منابع انگلیسی

- Bakvis, Herman (2000): Rebuilding Policy Capacity in the Era of the Fiscal Dividend: A Report from Canada. In *Governance* 13 (1), pp. 71-103.
- Birks, Melanie; Mills, Jane (2011): *Grounded theory. A practical guide*. Los Angeles, Calif.: Sage.
- Cerny, Philip G. (1999): Globalization and the erosion of democracy. In *European Journal of Political Research* 36 (1), pp. 1-26.
- Cheung, Anthony (2007): Policy Capacity in Post-1997 Hong Kong: Constrained Institutions Facing a Crowding and Differentiated Polity. In *Asia Pacific Journal of Public Administration* 29 (1), pp. 51-75.
- Corbin, Juliet M. Strauss, Anselm L. (2015): *Basics of qualitative research. Techniques and procedures for developing grounded theory*. Fourth edition. Los Angeles: Sage.
- Craft, Jonathan; Howlett, Michael; Crawford, Mark; McNutt, Kathleen (2013): *Assessing*
- Cummings, Sally N. Norgaard, Ole (2004): *conceptualising State Capacity: Comparing*

- Kazakhstan and Kyrgyzstan. In *Political Studies* 52 (4), pp. 685–708.
- Creswell, John W. (2007): *Qualitative inquiry and research design. Choosing among five traditions*. 2. ed. Thousand Oaks [u.a.]: Sage.
- Davis, Glyn Conrad (2000): *Conclusion: policy capacity and the future of governance*. Sydney: Allen & Unwin.
- Fellegi, Ivan (1996): *Strengthening our policy capacity*. Ottawa, ONT.: Canadian center for management development.
- Glaser, Barney G. Strauss, Anselm L. (1967): *The discovery of grounded theory. Strategies for qualitative research*. Chicago: Aldine Pub. Co (Observations).
- Gleeson, Deborah (2009): *Developing policy leadership. A strategic approach to strengthening policy capacity in the health bureaucracy*.
- Honadle, Beth Walter (1981): *A Capacity-Building Framework: A Search for Concept and Purpose*. In *Public Administration Review* 41 (5), p. 575.
- Howlett, Michael (2009): *Policy analytical capacity and evidence-based policy-making: Lessons from Canada*. In *Canadian Public Administration* 52 (2), pp. 153–175
- Kurzer, Paulette (1997): *Decline or Preservation of Executive Capacity? Political and Economic Integration Revisited*. In *JCMS: Journal of Common Market Studies* 35 (1), pp. 31–56.
- Painter, Martin; Pierre, Jon (Eds.) (2005): *Challenges to state policy capacity: Global trends and comparative perspectives*. Houndmills Basingstoke Hampshire, New York: Palgrave Macmillan
- Parsons, Wayne (2004): *Not Just Steering but Weaving: Relevant Knowledge and the Craft of Building Policy Capacity and Coherence*. In *Australian Journal of Public Administration* 63 (1), pp. 43–57.
- Perl, Anthony; White, Donald J. (2002): *The Changing Role of Consultants in Canadian Policy Analysis*. In *Policy and Society* 21 (1), pp. 49–73.
- Peters, B. G. (1996): *The policy capacity of government*. [Hull, Quebec]: Minister of Supply and Services Canada (Canadian Centre for Management Development research paper no, 18).
- Polidano, Charles (2000): *Measuring Public Sector Capacity*. In *World Development* 28 (5), pp. 1–47.
- Press, Daniel (1998): *Local environmental policy capacity: a framework for research*. In *Nat. Resources J.* 38, p. 29.
- Sabatier, Paul A. 2007. *Theories of the policy process*, Westview Press.
- Schneider, Anne; Ingram, Helen (1990): *Behavioral Assumptions of Policy Tools*. In *The Journal of Politics* 52 (2), pp. 510–529.
- Shafritz, Jay M. Borick, Christopher P. (2008): *Introducing public policy*. New York: Pearson Longman.
- Wellstead, Adam; Stedman, Richard (2010): *Policy Capacity and Incapacity in Canada's Federal Government*. *Public Management Review*. In *Public Management Review* 12 (6), pp. 893–910.

